اقتصاد سبز

## مدیریت انرژی با انرژی هوشمند

فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● به‌کارگیری انرژی در بخش کشاورزی یکی از منابع انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای است. به‌کارگیری ماشین‌آلات، تجهیزات و فناوری در بخش کشاورزی نیازمند استفاده از انرژی است. لاجرم به‌منظور جمع این دوقضیه، یعنی هم کاهش گازهای گلخانه‌ای حاصل از مصرف انرژی و هم تامین منابع انرژی برای سوخت بخش کشاورزی باید به جست‌وجوی راهکارهای جدیدی بود. اندیشمندان جهانی بر این نکته اتفاق نظر دارند که مؤثرترین استراتژی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از مصرف انرژی، افزایش بازدهی و عملکرد انرژی و به‌کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش کشاورزی است. منظور از کارآیی و بهره‌وری یعنی انجام کار و فعالیت با مصرف انرژی کمتر است. انرژی‌های تجدیدپذیر که انرژی برگشت‌پذیر، نیز نامیده می‌شوند، به انواعی از انرژی می‌گویند که برخلاف انرژی‌های تجدیدناپذیر قابلیت بازگشت مجدد به طبیعت را دارند. انواع انرژی‌های تجدیدپذیر عبارتند از: انرژی آبی (نیروی برق‌آبی)، انرژی بادی، انرژی خورشیدی، انرژی زمین‌گرمایی، انرژی زیست‌توده و انرژی امواج و جزرومد. بیشترین میزان انرژی‌های تجدیدشونده با کمک روش‌های سنتی مثل سوزاندن چوب به‌دست می‌آید. نیروی هیدروژنی دومین نوع انرژی‌های تجدیدشونده است که در جهان مصرف می‌شود. اصلی‌ترین منابع تولید انرژی‌های تجدیدشونده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از خورشید نیرو می‌گیرند. انرژی باد و آب ساده‌ترین نوع انرژی‌های تجدیدشونده هستند که بشر سالیان دراز از آنها استفاده می‌کند. در بخش کشاورزی نیز به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش بهره‌وری انرژی بیش از هر زمان دیگر توجه می‌شود. به‌این‌دلیل که با چالش‌های انرژی گوناگونی مواجه است. مهم‌ترین چالش‌های انرژی بخش کشاورزی عبارتند از: ۱) نوسانات و افزایش هزینه انرژی، سود را کاهش داده و برنامه‌ریزی و مدیریت مزرعه را سخت می‌کند. ۲) وابستگی به نفت خارجی دارای خطر و ریسک بلندمدت است (به‌دلیل افزایش قیمت و دسترسی به آن). ۳) هزینه‌های نهاده کود نیتروژن به قیمت انرژی مرتبط است. ۴) سوزاندن سوخت‌های فسیلی به تغییرات آب‌وهوایی و انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند. از همین‌رو کشاورزان در دنیای کنونی با افزایش هزینه‌های انرژی و عدم‌اطمینان در مورد سیاست انرژی درآینده بخش کشاورزی، مواجه هستند. از این‌رو بسیاری از کشاورزان برای پاسخ به چنین مسایلی به بهبود بهره‌وری انرژی فرآیند تولید و جایگزین‌کردن انرژی‌های نو به‌جای سوخت‌های فسیلی سنتی مانند باد، خورشیدی و محصولات سوخت‌های زیستی پرداخته‌اند. کشاورزان همواره به‌دنبال راه‌هایی برای بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌های نهاده‌ها بوده‌اند. به‌عنوان مثال، سوخت بسیاری از وسایل نقلیه و ماشین‌آلات مزرعه دیزل است، که سوختی بسیار کارآمدتر از بنزین است. نگرانی همیشگی در مورد هزینه‌های انرژی، همراه با نگرانی‌های جدید درمورد گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسیدکربن ($CO_2$) ایجاد شده از سوزاندن سوخت‌های فسیلی، انگیزه‌هایی برای کنترل بیشتر انرژی در آینده را به‌وجود آورده است. درحال حاضر «انرژی هوشمند» در سطح مزرعه طراحی شده و مدیریت انرژی را بهبود بخشیده و هم برای محصولات و خاک خوب است و هم باعث کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای می‌شود. بسیاری از کشاورزان درحال بررسی گزینه‌های انرژی تجدیدپذیر سوخت خود در قالب محصولات سوخت‌های زیستی با به‌کارگیری از محصولات کشاورزی و باقی‌مانده‌های آن برای تولید انرژی به‌جای سوخت‌های فسیلی هستند. طیف وسیعی از موادخام کشاورزی برای استفاده انرژی نو پیشنهاد شده است، ازجمله دانه، پسمانده‌های زراعی، محصولات سلولزی (به‌عنوان مثال، علف، نیشکر)، و گونه‌های مختلف درخت. باپیشرفت‌های فناوری، سوخت‌های زیستی جایگزین بخش قابل‌توجهی ازسوخت‌های فسیلی شده و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش داده است. به‌طوری‌که در ایالات‌متحده آمریکا به‌کارگیری سوخت‌های زیستی باعث کاهش ۶۷۰ تا ۱۷۱۰میلیون‌تن معادل دی‌اکسیدکربن سالانه شده که در حدود ۹ تا ۲۴درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای آمریکا را کاهش می‌دهد. انگلستان برای سال۲۰۵۰میلادی در بخش کشاورزی اتخاذ شیوه‌های مقرون‌به‌صرفه در به‌کارگیری انرژی نو و کارآمدتر در مزرعه را دنبال کرده که باعث کاهش ۸۰درصد در انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. مساله مهم درخصوص اتخاذ شیوه‌های مدیریتی جدید و به‌کارگیری انرژی نو و در نهایت میزان موفقیت هر استراتژی در کاهش گازهای گلخانه‌ای بخش کشاورزی به تصمیم کشاورزان معطوف می‌شود. تصمیم کشاورزان نیز به انگیزه سودآوری آنان برمی‌گردد. بنابراین شیوه‌هایی برای مدیریت جدید انرژی در بخش کشاورزی باید لحاظ شود که در درجه‌اول از لحاظ اقتصادی برای کشاورزان جذاب باشد.

نقد هدفمندی یارانه‌ها در گفت‌وگو با راغفر، طراح نقشه فقر ایران

# قانون سیاسی هدفمندی یارانه‌ها به نتیجه نرسید

### در سال ۹۲، ۷۰۰ هزار نفر وارد مشاغل غیررسمی شدند که قابل شناسایی هم نیستند

**شرق: حسین راغفر فازسوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را با افزایش قیمت نان آغاز شده می‌داند. در گفت‌وگو با این کارشناس اقتصادی که طراح نقشه فقر ایران است، تبعات افزایش مجدد قیمت‌ها را بررسی کردیم و اهداف قانون پنج ساله هدفمندی یارانه‌ها را، که سال آینده به اتمام خواهد رسید، از زیر ذره‌بین معادلات اقتصاد گذراندیم. راغفر صراحتا می‌گوید: «قانون هدفمندی یارانه‌ها یک‌برنامه سیاسی و با اهداف سیاسی بود و نه‌تنها اثرات مثبت اقتصادی نداشت که پس از چهارسال اجرا به گسترش دامنه نابرابری‌ها منجر شده است. او افزایش قیمت نان و یا حامل‌های انرژی را براساس قانون نسبیت نقد کرده و تاکید می‌کند افزایش مجدد قیمت‌ها نیز به عمیق‌ترشدن نابرابری‌ها و به زیان افراد پایین درآمدی منتهی خواهد شد. او این نسبیت را این گونه توضیح می‌دهد: «ابتدای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها یک قرص نان بربری ۲۰۰ تومان بود، یک لیتر بنزین صدتومان قیمت داشت و یک‌ساعت حقوق کارمند هم هزارتومان محاسبه می‌شد. یعنی یک قرص نان را نانوا ۲۰۰ تومان می‌فروخت و معادل دولیتر بنزین تحویل می‌گرفت. یک‌ساعت کار کارمند هم معادل ۱۰ لیتر بنزین برآورد می‌شد. امروز، قیمت نان به ۶۵۰ تومان رسیده در حالی که قیمت بنزین در حال رسیدن به هزارتومان است. از سوی دیگر، دستمزد نیروی کار هم دوبرابر شده و به دوهزارتومان در ساعت رسیده است. یعنی نانوا یک‌قرص‌نان می‌فروشد و ۶۵صدم لیتر بنزین دریافت می‌کند. کارمند هم یک‌ساعت کار می‌کند و دولیتر بنزین دریافت می‌کند. نتیجه، آنکه افرادی که قیمت بنزین را کنترل می‌کنند برنده شدند و باقی بازنده. دولت که کنترل‌کننده قیمت بنزین است برنده محسوب می‌شود و آن گروهی که تولید کالا و خدمات می‌کنند بازنده خواهند بود. با افزایش مجدد قیمت حامل‌های انرژی، این روند کماکان به زیان گروه‌های پایین درآمدی ادامه خواهد داشت.» به‌زعم راغفر، دولت با اتمام مهلت قانونی هدفمندی، یعنی در سال آینده، پرداخت یارانه نقدی را هم به پایان می‌رساند تا به این ترتیب متهم به قطع یارانه‌ها نشود. مشروح این گفت‌وگو را در ذیل می‌خوانید:**

**◄ سقف بودجه هدفمندی یارانه‌ها در لایحه بودجه۹۴ بدون تغییر درنظر گرفته‌شده‌است.**

عکس: مهدی حسنی

**این تصمیم دولت به معنی عدم‌اجرای فازسوم هدفمندی خواهد بود؟**

منظور از فازسوم چیست؟ وقتی سیاستگذاران صحبت از فازسوم می‌کنند، منظورشان این است که قیمت‌ها را می‌خواهند افزایش دهند. فازسوم نیز در عمل با افزایش قیمت نان و بنزین محتمل هزارتومانی آغاز شده است. برنامه هدفمندی یارانه‌ها برنامه‌ای پنج‌ساله بوده است و ما اکنون در سال‌چهارم آن هستیم و در این مدت هیچ‌یک از اهدافی که برای این قانون تعریف‌شده بود محقق نشده است. از جمله اهداف اجرای قانون هدفمندی، بحث جلوگیری از قاچاق، کمک به بخش تولید، تنظیم قیمت‌ها و به تعبیر خودشان منطقی‌کردن قیمت‌ها بوده است، به نحوی که کمک کند علایم درستی به اقتصاد داده شود. اما با گذشت چهارسال از اجرای این قانون هیچ‌کدام از اینها محقق نشده است و امروز در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که در سال شروع برنامه ایستاده بودیم. عملا، معنای دیگر آن این است که اگر با همان استدلال قبلی که می‌خواستیم تعادل در اقتصاد ایجاد کنیم، فازسوم اجرایی شود، اهداف مورد نظر هیچ‌گاه حاصل نخواهد شد. باید توجه داشت در این افزایش قیمت‌ها فقط قیمت‌های حامل‌های انرژی افزایش نمی‌یابد؛ این به معنای آن است که قیمت نهاده‌های تولید افزایش پیدا می‌کند و متعاقب آن قیمت محصول نیز افزایش می‌یابد و در پی آن کارفرما تحت‌فشار خواهد بود که دستمزد کارگران را افزایش دهد، چراکه هزینه‌های زندگی کارگر بیشتر شده است. با افزایش دستمزد، مجدد سیکل افزایش قیمت تکرار می‌شود. براین‌اساس و بنابر نظر مدافعان اقتصاد بازار، افزایش قیمت منطقی نخواهد بود. نکته اساسی این است که مادامی که تورم کنترل نشود و مارپیچ تورمی ادامه داشته باشد، به اهداف هدفمندی نخواهیم رسید.

**◄ پس از ارایه لایحه بودجه، زمزمه‌هایی در مجلس در خصوص افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای سال آتی شنیده می‌شد. اکنون با توجه به وضعیت هزینه و درآمد دولت و وضعیت قیمت نفت، افزایش نرخ حامل‌های انرژی برای سال آینده را محتمل می‌دانید؟**

فارغ از اینکه سال آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، ابتدا باید تبعات افزایش قیمت‌ها را بررسی کرد. ابتدای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، یک قرص نان بربری ۲۰۰تومان بود، یک‌لیتر بنزین صدتومان قیمت داشت و یک‌ساعت حقوق کارمند هم هزارتومان محاسبه می‌شد. در قیمت نسبی، ما مثلا بنزین را واحد محاسبه قیمت سایر کالاها قرار می‌دهیم. یعنی یک قرص نان را نانوا ۲۰۰تومان می‌فروخت و معادل دولیتر بنزین تحویل می‌گرفت. یک‌ساعت کار کارمند هم معادل ۱۰لیتر بنزین برآورد می‌شد. بنابراین، وقتی این قیمت‌ها را تغییر می‌دهیم، نسبت‌ها نیز تغییر می‌کند. اگر همه این قیمت‌ها را به یک نسبت تغییر دهیم، یعنی همه اینها را در دوضرب کنیم نسبت‌ها تغییر نمی‌کند و بنابراین تغییری در تقاضا ایجاد نمی‌شود و تغییری نیز در ترکیب تقاضا حاصل نخواهد شد. اما اگر یکی از آنها را تغییر دهیم، باید دید کدام گروه برنده خواهند بود و کدام گروه بازنده. اتفاقی که در سال‌های مورد اشاره افتاده این است که قیمت نان با افزایش قیمت اخیر، که به مفهوم آغازشدن فاز سوم هدفمندی یارانه‌ها در عمل است، به ۶۵۰تومان رسیده در حالی که قیمت بنزین در حال رسیدن به هزارتومان است. از سوی دیگر، دستمزد نیروی کار هم دوبرابر شده و به دوهزارتومان در ساعت رسیده است. در این جریان، نسبت‌ها به این شکل تغییر کرده است. نانوا یک‌قرص نان می‌فروشد و ۶۵صدم‌لیتر بنزین دریافت می‌کند. کارمند هم یک‌ساعت کار می‌کند و دو لیتر بنزین دریافت می‌کند. نتیجه آنکه، افرادی که بنزین را کنترل می‌کنند، برنده شدند و باقی بازنده. به‌عبارت ساده‌تر؛ دولت که کنترل‌کننده قیمت بنزین است برنده محسوب می‌شود و آن گروهی که تولید کالا و خدمات می‌کنند بازنده خواهند بود. با افزایش مجدد قیمت حامل‌های انرژی، این روند کماکان به زیان گروه‌های پایین درآمدی ادامه خواهد داشت. چراکه آن دسته از افرادی که می‌توانند قیمت کالا و خدماتشان را افزایش دهند قیمت‌ها را بالا می‌برند ولی گروه‌های پایین درآمدی که قدرت چانه‌زنی ندارند نمی‌توانند درآمدهای خود و دستمزدهایشان را به نسبتی که لازم است افزایش دهند. کما اینکه دیدیم نانوا نمی‌تواند بدون موافقت دولت قیمت را افزایش دهد و در نتیجه در سه‌سال گذشته قیمت نان بدون تغییر مانده بود حال آنکه تورم در این مدت به رشد خود ادامه می‌داد. اتفاقی که می‌افتد آن است که نابرابری گسترده می‌شود. گروهی ضعیف می‌شوند، قدرت خریدشان کاهش می‌یابد و فقیرتر می‌شوند و در مقابل گروه دیگر، که می‌توانند قیمت‌ها را افزایش دهند، نرخ‌هایشان را بالا می‌برند؛ بنابراین، این افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر میزان تقاضای آنها هیچ تاثیری نخواهد داشت.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

عضو هیات‌مدیره انجمن طیور ایران:

## صنعت طیور باید از تفکر دولتی رها شود

● عضو هیات‌مدیره انجمن طیور ایران گفت: صنعت طیور از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به‌طورکامل تحت‌نظارت کامل دولت قرار داشته است اما برای شکوفایی این صنعت و حضور در بازارهای صادراتی لازم است که بخش خصوصی نقش تصمیم‌سازی در این بخش پیدا کند. مهدی معصومی ادامه داد: از آنجا که مرغ و تخم‌مرغ جزو کالاهای اساسی کشور به حساب می‌آید، دولت سیاستگذاری در این بخش را انجام می‌دهد اما امیدواریم با سیاست‌های دولت‌یازدهم و توجهی که در اتاق بازرگانی به بخش کشاورزی شده است، فضایی ایجاد شود تا صنعت طیور از سیستم تفکر دولتی و تصمیمات صددرصد دولتی به سمت تصمیمات بخش خصوصی و واگذاری این صنعت به اتحادیه‌ها یا سندیکاهای تخصصی، حرکت کند. با این کار قیمت تمام‌شده تولید کاهش پیدا می‌کند، کیفیت تولید بهبود می‌یابد، واردات محصولات بی‌کیفیت محدود و امکان صادرات فراهم می‌شود. به گفته این فعال صنعت طیور، واگذاری تصمیم‌سازی‌ها به بخش خصوصی مهم‌ترین کاری است که در این موقعیت باید انجام شود. رییس هیات‌مدیره انجمن تخم‌مرغ شناسنامه‌دار گفت: سال‌هاست که این صنعت تحت نظارت دولت قرار داشته است و مسوولان دولتی از این بخش شناخت دارند اما وقتی بخش خصوصی تصمیم‌سازی کند، برای رسیدن به منافع بیشتر، کیفیت بهتری را ایجاد می‌کند. در این شرایط است که می‌توان به تنوع محصول، بهره‌گیری از صنایع تبدیلی و فراهم‌کردن امکان صادرات امیدوار بود. معصومی افزود: بسیاری از کشورهای بزرگ اروپایی و پرمصرف در بخش مرغ و تخم‌مرغ، نظیر آلمان، واردکننده این محصولات هستند و می‌توان با استراتژی مشخص در تولید، راه را برای صادرات باز کرد اما در ایران با شرایطی که داریم و مرغ و تخم‌مرغ به‌عنوان کالاهای اساسی شناخته می‌شوند، امکانات برای صادرات کم است. نماینده کمیسیون (IEC) بین‌المللی تخم‌مرغ در ایران ادامه داد: در صنعت طیور مزیت نسبی داریم اما تاکنون سیاستی برای صادرات نداشته‌ایم چراکه سیاست دولت هیچ‌گاه برمبنای صادرات نبوده است اما اگر فضا برای تصمیم‌سازی بخش خصوصی باز شود، این امکان فراهم خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

## نکاتی درباره اقدامات موهن

حمله به شارلی‌ابدو یا بدون سازماندهی سرویس‌های جاسوسی غرب صورت گرفت یا به قول و ادعای ژان ماری لوپن، رهبر سابق حزب جبهه‌ملی فرانسه کار سرویس‌های مخفی غرب است. در هر صورت پشت این اقدام و انتشار مجدد کاریکاتور ممکن است اهداف زیر باشد:

الف) تحریک مسلمانان برای اقدامات خشن

ب) تقویت گفتمان و راهبرد اسلام‌هراسی

ج) جلوگیری از رشد فزاینده اسلامگرایی با تقویت این گفتمان

د) ایجاد اجماع ضدمسلمانان

ه) بهره‌برداری صهیونیست‌ها و گروه‌های افراطی ضداسلامگرایان

در این خصوص به‌ویژه راه‌های مقابله با راهبرد اسلام‌هراسی غرب چند نکته مهم وجود دارد:

۱- غرب ادعا می‌کند آزادی بیان از ارکان لیبرال‌دموکراسی است و نمی‌توانند «آزادی بیان» را محدود کنند و جلو این اقدامات را بگیرند. «برخورد دوگانه» مجامع بین‌المللی و کشورهای غربی به‌ویژه فرانسه درخصوص موضوع‌ها و کشورهای مختلف (انتخابات، تروریسم، حقوق اقوام، زنان و...) نیز اگرچه جدید نیست اما تاریخی و به‌یادماندنی خواهد بود. در همین خصوص روزنامه تلگراف انگلیس در ۲۷ژانویه ۲۰۰۹ نوشت: «موریس سینت، کاریکاتوریست شارلی‌ابدو، به دلیل انتشار مطلبی و نقل لطیفه‌ای در مورد پسر نیکولا سارکوزی، نخست‌وزیر وقت فرانسه، برکنار شد.» جرم موریس سینت برانگیختن نفرت علیه یهودی‌ها اعلام شد. موریس بعد از ازدواج پسر سارکوزی با دختری از یهودیان ثروتمند فرانسوی نوشت: «این پسر به‌زودی مدارج ترقی را طی خواهد کرد.» بعد از نوشتن این جمله، سردبیر مجله هوادار آزادی بیان، شارلی‌ابدو از او می‌خواهد عذرخواهی کند. او نمی‌پذیرد و اخراج می‌شود. در برخی کشورهای غربی انتقاد از همجنسگرایی و اظهارنظر، سوال و تحقیق و تردید درخصوص هولوکاست غیرقانونی و ممنوع است. به‌عنوان مثال انتقاد از هولوکاست در فرانسه تا یک‌سال زندان و حدود سه‌هزارفرانک جریمه دارد. همچنین بریتانیا با انتشار عکس‌های خصوصی همسر نوه ملکه انگلیس در مجله کلوزر فرانسه به‌شدت مخالفت و بر جمع‌آوری و بازگرداندن عکس‌ها اصرار کرده است.

۲-توهین به مقدسات ادیان مختلف، غیراخلاقی و خلاف مقررات بین‌المللی از جمله بند ۳ماده۱۹و ۲۰میثاق بین‌المللی حقوق مدنی است. در بند ۳ماده۱۹، حق آزادی بیان نامحدود نیست و باید به حقوق حیثیت دیگران و حفظ نظم عمومی توجه شود. در ماده ۲۰همین میثاق، تبلیغ برای جنگ و ترغیب کینه‌ورزی از هر نوع ملی، مذهبی و نژادی ممنوع است. علاوه‌براین مواد، در اعلامیه حقوق‌بشر ملل‌متحد مصوب ۱۹۴۸، اعلامیه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۹۹۶، بیانیه اجلاسیه سران سازمان‌ملل‌متحد در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ و بیانیه مصوب اجلاسیه دوربان سال ۲۰۰۳ نیز بندهایی به محکومیت توهین به ادیان و چهره‌های آسمانی اختصاص یافته است.

۳- نخبگان و مردم مسلمان باید با استفاده از ظرفیت‌های مختلف، مستند و پیوسته، مرز خود را از این نمایندگان جعلی جدا کنند و ریشه‌های تروریسم را خود بشناسند و به دیگران بشناسانند. افزایش سواد رسانه‌ای، مخاطبان را در مقابل تبلیغات ضداسلامی رسانه‌های غربی واکسینه می‌کند.

۴- رسانه‌های غربی در چنین مواردی از تاکتیک‌هایی مانند «قاعده تعمیم» استفاده کرده و اقدامات «القاعده و داعش» را به عموم مسلمانان تعمیم می‌دهند. برای مقابله با این تاکتیک لازم است تفاوت القاعده و داعش با اسلام و مسلمانان راستین بیان و نقاط قوت تمدن اسلامی بزرگنمایی شود. ضمن اینکه از تاکتیک «حساسیت‌زدایی» رسانه‌های غربی نیز نباید غافل بود.

۵- مسلمانان و رسانه‌های کشورهای اسلامی ضمن اینکه باید به وظایف خود در قبال این اقدامات مهم عمل کنند، نباید ناخواسته در مسیر اهداف استراتژیست‌های ضداسلامی غرب گام بردارند. یکی از اهداف و محتوای مصرح در اهانت‌های مختلف (فیلم، کاریکاتور و...) به پیامبر رحمت (ص) و انعکاس واکنش‌های مسلمانان، نسبت‌دادن خشونت و بی‌منطقی به مسلمانان و اسلام‌هراسی است. در پوشش خبری اعتراضات مسلمانان از نشان‌دادن چهره‌ها و اقدامات خشن و غیرمعقول خودداری و با برجسته‌کردن تصاویر منظم، شعارهای منطقی، مصاحبه‌ها و تظاهرات علما، دانشجویان و فرهیختگان و افراد آرام، منطقی و مطلع و استناد به مقررات بین‌المللی، هوشیاری کشورهای اسلامی به تصویر کشیده شود و اجازه داده نشود غربی‌ها، هم اهانت و هم اینکه خود را مظلوم معرفی کنند.

۶- معمولا در پوشش اخبار کشورهای اسلامی و مسلمانان، ارزش خبری «برخورد» غالب است، که باید با واقع‌نمایی و بزرگنمایی اقدامات مثبت این کشورها و کوچک‌نمایی جنگ، خشونت و درگیری و اختلافات آنها، اصل توازن در پرداخت به ارزش‌های خبری رعایت شده و گرایش‌ها و باورهای حقوق‌بشری مسلمانان (مثل فرهنگ صلح، قانونمداری، نوع‌دوستی، بخشش و...) ترویج شود.